

انتشار

۲ آلبوم پژوهشی

«زنپورک» و «روشنا» عنوان دو پروژه موسیقایی هستند که طی روزهای اخیر با هنرمندی بهاره فیاضی و سروش حاتم‌ی آذر در دو گونه مجزا پیش‌روی مخاطبان قرار گرفتند. مجموعه موسیقایی روشنا، عنوان اثری پژوهشی – موسیقایی به همت بهاره فیاضی است که در روزهای گذشته برای پژوهشگران موسیقی منتشر شد. بهاره فیاضی با استفاده از تکنیک‌های مختلف اجرایی برای ساز تار و سه‌تار و همچنین قابلیت‌های فراوانی که موسیقی

ایرانی در رنگارنگی ریتم‌ها و ملودی‌های گوناگون دارد، قطعاتی از ساخته‌های خود را در این اثر اجرا کرده که شامل قطعات بی‌کلام در گونه‌های پیش‌درآمد، رنگ و چهارمضراب است. «زنپورک» هم عنوان یکی دیگر از آلبوم‌های منتشر شده در بازار موسیقی است که برای گروه سنی کودک و نوجوان منتشر شده است. سروش حاتم‌ی آذر، مدیر هنری و سازنده این آلبوم حاصل سال‌ها پژوهش و جست‌وجو در راستای تولید و اجرای «موسیقی ایرانی برای

به یاد هنرمند جانباز فقید محمد رضا جعفری بهنام

عضو فعال ارکستر روحیه در خط مقدم



علیرحیمنی گروه فرهنگ و هنر

موسیقی دهه ۶۰ برای موسیقی معاصر دورانی متفاوت بود. در آن برهه حساس اهالی عرصه هنر و موسیقی، از یک‌سو با درک درست موقعیت زمانی، آثار ارزشمندی خلق کردند که برخی وودزیان مردم و رزمندگان آن روزگار بود و برخی هنوز هم بر زبان‌ها جاری است. از سوی دیگر برخی هنرمندان با حضور در جبهه و اجرای کنسرت‌های میدانی نقش بسزایی در ارتقای روحیه رزمندگان داشتند و خیلی از آنها هم در این مسیر به درجه جانبازی نایل آمدند. نمونه‌این پیرزگمردان، محمدرضا جعفری بهنام، صدابردار مطرح جبهه و جنگ بود. هنرمندی که ۲۱آبان ۱۴۰۲ به علت عوارض ناشی از شیمیایی شدن در جبهه‌های جنگ به دیار حق شتافت و روز گذشته ۲۲ در قطعه هنرمندان بهشت زهراي تهران به خاک سپرده شد.

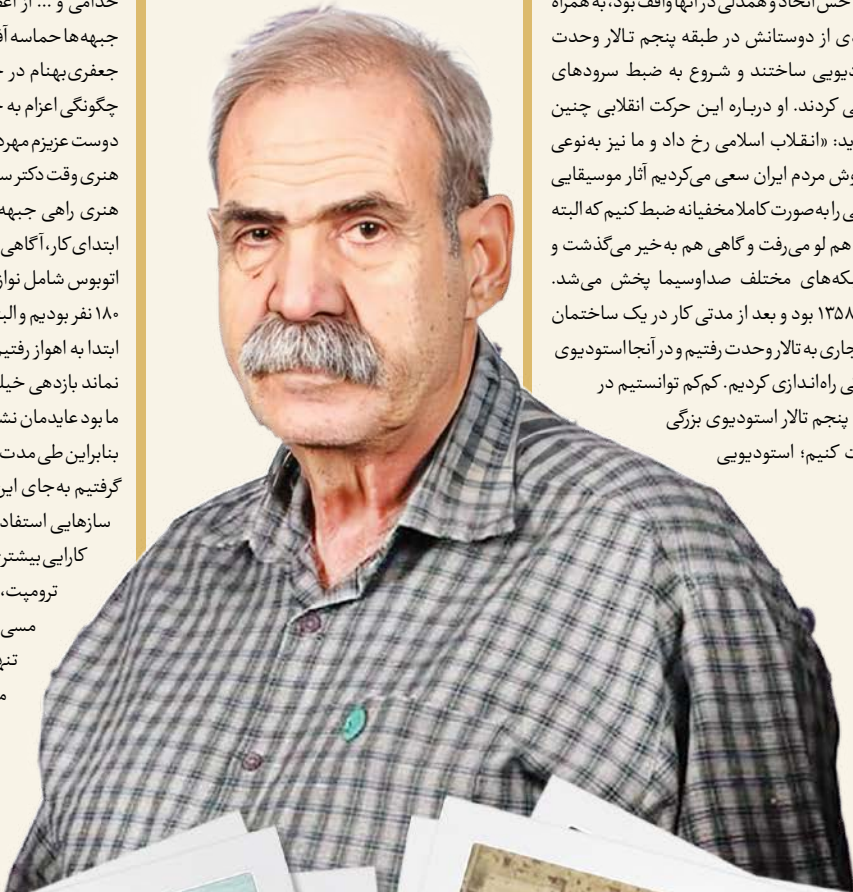
صدابردار موسیقی انقلاب

محمدرضا جعفری بهنام، متولد خرداد ۱۳۲۶ در تهران است. وی پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد هنرستان فنی شد و در رشته برق فشارقوی ادامه تحصیل داد. او سال ۱۳۴۱ درحالی‌که ۱۵ سال بیشتر نداشت به‌عنوان تالیپست ماشین‌های لاینو در روزنامه اطلاعات مشغول به کار شد. فعالیتش در آنجا معطوف به کار حروفچینی با ماشین‌های سربی بود؛ کاری که نه ارتباطی به رشته تحصیلی‌اش داشت و نه باب میلش بود، برای همین هم بعد از مدتی به‌دنبال یک موقعیت بهتر، از آن کناره‌گیری کرد. سال ۱۳۵۳ برای جعفری بهنام شروعی دوباره بود. او که علاقه زیادی به هنر داشت با آگهی استخدام وزارت فرهنگ و هنر روبه‌رو شد و این آگهی راهی برای برای رسیدن به موقعیت برای او باز کرد. خودش در این ارتباط می‌گوید: «۱۶ خرداد ۱۳۴۱ به‌عنوان تالیپست ماشین‌های لاینو به روزنامه اطلاعات رفتم و آغاز کارم با همان ماشین‌های سربی بود و کار حروفچینی، اما بعد از مدتی از این حرفه کناره‌گیری کردم و به سمت هنر رفتم؛ رشته تحصیلی‌ام فنی بود و سال ۵۳ به وزارت فرهنگ و هنر راه یافتم. می‌خواستم در بخش فنی این وزارتخانه مشغول شوم، چراکه علاقه بسیاری به هنر داشتم. سرانجام به بخش صدابرداری راه پیدا کردم و به‌عنوان صدابردار موسیقی اداره کل فرهنگ و هنر انتخاب شدم...».

همگام با انقلابین برای پیروزی

بی‌شک نمی‌توان کرد سردرآد پیروزی انقلاب نادیده گرفت. هنری که به‌واسطه آن شور حماسه و همدلی همچنان که در جمع‌خوانی سرود وجود دارد، در اتحاد مردمی تجلی یافت و برگ‌ی زرین از تاریخ این سرزمین را رقم زد و همین اهمیت است که نام‌هایی مثل جعفری بهنام را خاص می‌کند. جعفری بهنام که پس از حضور در وزارت فرهنگ و هنر، همگام با کسب تجربه

در وزارت فرهنگ و ارشاد کنارت استادی‌هایی همچون دکتر حسین حامی، گشتاسب آریانا، محمد جهان‌فر، رحیم بقایی و ... تحصیلاتش را نیز ادامه داده و موفق به دریافت مدرک فوق‌دیپلم الکترونیک شده بود با بهره‌گیری از این تجربه به هم متصل تجربه و دانش، خیلی زود یک صدابردار حرفه‌ای شد تا آنجا که پس از چهار سال، توان ضبط با کیفیت آهنگ‌های حماسی انقلاب را آن هم در استودیوهای زیرزمینی و با امکانات بسیار اندک پیدا کرد. او در آن برهه حققان سیاسی که هر صدایی در لحظه خاموش می‌شد خود را به انقلابیون رساند و در ضبط و صدابرداری مخفیانه آهنگ‌های انقلابی همراه و همیار آنها شد. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، او که به تاثیر سرودهای انقلابی در تهییج مردم و ایجاد حس اتحاد و همدلی در آنها واقف بود، به همراه تعدادی از دوستانش در طبقه پنجم تالار وحدت استودیویی ساختند و شروع به ضبط سرودهای انقلابی کردند. او درباره این حرکت انقلابی چنین می‌گوید: «انقلاب اسلامی رخ داد و ما نیز به‌نوعی همدوش مردم ایران سعی می‌کردیم آثار موسیقایی انقلابی را به‌صورت کاملاً مخفیانه ضبط کنیم که البته گاهی هم لو می‌رفت و گاهی هم به‌خیر می‌گذشت و از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش می‌شد. سال ۱۳۵۸ بود و بعد از مدتی کار در یک ساختمان استیجاری به تالار وحدت رفتم و در آنجا استودیوی کوچکی راه‌اندازی کردم. کم‌کم توانستیم در طبقه پنجم تالار استودیوی بزرگی درست کنیم؛ استودیویی



که سرودهای انقلابی ماندگاری چون «خمینی ای امام» یا قطعه «شهید» ساخته زنده‌یاد امیر راسختین ضبط و به یادگار ثبت شده است.»

گروه روحیه در جبهه‌های جنگ

جنگ که شروع شد هر شخصی با هر تخصصی که داشت به حمایت رزمندگان شتافت. موسیقی نیز از این قاعده مستثنا نبود و سرودها و مداحی‌ها و نوحه‌های حماسی آن دوره زمانی هنوز از گوشه و کنار این مرز و بوم به گوش می‌رسند، اما یکی از اقدامات ویژه هنرمندان موسیقی در آن سال‌ها را ارکستر سمفونیک تهران رقم زد. گروهی که از سال ۶۵ تصمیم گرفت به خط مقدم جنگ برود و برای روحیه‌دادن به‌صورت زنده برای رزمندگان کار هنری

ایجاد حس اتحاد و همدلی در آنها واقف بود، به همراه تعدادی از دوستانش در طبقه پنجم تالار وحدت استودیویی ساختند و شروع به ضبط سرودهای انقلابی کردند. او درباره این حرکت انقلابی چنین می‌گوید: «انقلاب اسلامی رخ داد و ما نیز به‌نوعی همدوش مردم ایران سعی می‌کردیم آثار موسیقایی انقلابی را به‌صورت کاملاً مخفیانه ضبط کنیم که البته گاهی هم لو می‌رفت و گاهی هم به‌خیر می‌گذشت و از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش می‌شد. سال ۱۳۵۸ بود و بعد از مدتی کار در یک ساختمان استیجاری به تالار وحدت رفتم و در آنجا استودیوی کوچکی راه‌اندازی کردم. کم‌کم توانستیم در طبقه پنجم تالار استودیوی بزرگی درست کنیم؛ استودیویی

وقتی رزمندگان ایرانی در جبهه‌های جنگ تحمیلی مشغول دفاع از ایران بودند ارکستر سمفونیک تهران برای روحیه‌دادن به آنها به مناطق جنگی رفته بود. اعضای این گروه در سفرهای شان به مناطق مختلف ازجمله حاج‌عمران، فاء، شلمچه و چند منطقه دیگر رفتند و کار هنری می‌کردند و به رزمندگان روحیه می‌دادند. تفاوت اجراهای این گروه با گروه‌های موسیقی دیگر این بود که اعضای آن جای کت وشلوار مشک‌ی و پیراهن سفید، لباس‌های خاکی‌رنگ می‌پوشیدند و ارکستری که تا پیش از آن تجربه‌اش به اجرا در سالن‌های مجهز و البته با سیستمین خاص موسیقی کلاسیک محدود بود، در دشت‌های باز، یادگان‌های نظامی، سنگرها، چادر رزمندگان و حتی مساجد به‌اجرا می‌پرداخت. نکته جالب‌تر آن‌که نوازندگان در مواردی نیز با نشستن روی جعبه خالی مهمات و آذوقه به اجرا می‌پرداختند. نکته قابل توجه، جانبازی تعدادی از اعضای ارکستر طی این سفرهاست که در برخی موارد، جانبازان تا سال‌ها بعد از پایان جنگ هم از آن مطلع نشدند. سفر ارکستر به حلبچه، اگرچه مدتی پس از بمباران شیمیایی این شهر انجام شد، اما از آن به‌عنوان یکی از دلایل این جانبازی‌ها یاد می‌شود. آن‌گونه که سجاد پورقناد، پژوهشگر موسیقی مطرح می‌کند سفر به جزیره مجنون یا یکی از جزایر همسایه‌اش نیز به دلیل اجساد شهیدی که در آنجا قرار داشت و نیش پشه‌های عفونی، از دیگر دلایل بعضی جانبازی‌ها بود. ابراهیم نظری و مهرداد کاظمی و محمدرضا جعفری ازجمله جانبازان این ارکستر موسیقی در آن زمان بودند.



کودکان ایرانی» را در این اثر ارائه کرده است. این موسیقیدان پس از ۲۹ سال پژوهش و تولید در عرصه هنر و شعر کودک، ساخت ملودی، نوازندگی انواع سازها، تنظیم قطعات موسیقی، اجرای کنسرت برای کودکان، ثبت و ضبط آثار موسیقی، یک‌یک قطعات این مجموعه را با حساسیت ویژه‌ای انجام داده است تا از این گذر، هم در روح و جان کودک تاثیر بگذارد، هم به موسیقی ملی و ایرانی در این عرصه پیشنهادهایی داده باشد.

حلبچه برگزار شد صدابردار قصه‌هایی بودم که به قول خودمان برای رزمنده‌ها بسیار زیبا و جالب بود. بار دوم با یک اتوبوس حرکت کردیم و یک سفر ۴۵ روزه بود و در مناطق مختلف جنوب ایران از سوسنگرد تا خرمشهر و پشت جبهه‌های امیدیه، اهواز و آبادان و ... پیش از ۳۰ اجرا داشتیم که البته از سوی فرماندهان و رزمنده‌ها بسیار مورد حمایت قرار گرفتیم و بیشتر دلگرم شدیم. بعد از حدود ۴۵ روز به تهران برگشتیم و یک تعداد سرود ساختیم که هم در جبهه‌ها و در تهران اجرا شد و هم در صداوسیما قابل پخش بود و مردم از طریق رسانه ملی با این آثار آشنا شدند مانند «هر که دارد هوس کرب بلا بسم...» یا نوای چاووشی «جنگ جنگ تایپروزی» و...»

او دیگر پیش مانیت

جعفری بهنام ۱۳ بار به همراه ارکستر سمفونیک تهران به جبهه‌های نبرد اعزام شد و در این اعزام‌ها هم مجروح و هم شیمیایی شد. با پایان هشت سال دفاع مقدس، جعفری بهنام همچنان به تلاش‌هایش ادامه داد و در کارنامه خود همکاری با بزرگان‌ی چون محمدرضا شجریان و شهرام ناظری را به یادگار گذاشت. ماحصل این تلاش‌ها دریافت گواهینامه درجه یک (دکتری) صدابرداری موسیقی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تقدیر در بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر و دومین جشنواره موسیقی مقاومت بود.

برش

ارکستری خاص با اجراهای متفاوت

وقتی رزمندگان ایرانی در جبهه‌های جنگ تحمیلی مشغول دفاع از ایران بودند ارکستر سمفونیک تهران برای روحیه‌دادن به آنها به مناطق جنگی رفته بود. اعضای این گروه در سفرهای شان به مناطق مختلف ازجمله حاج‌عمران، فاء، شلمچه و چند منطقه دیگر رفتند و کار هنری می‌کردند و به رزمندگان روحیه می‌دادند. تفاوت اجراهای این گروه با گروه‌های موسیقی دیگر این بود که اعضای آن جای کت وشلوار مشک‌ی و پیراهن سفید، لباس‌های خاکی‌رنگ می‌پوشیدند و ارکستری که تا پیش از آن تجربه‌اش به اجرا در سالن‌های مجهز و البته با سیستمین خاص موسیقی کلاسیک محدود بود، در دشت‌های باز، یادگان‌های نظامی، سنگرها، چادر رزمندگان و حتی مساجد به‌اجرا می‌پرداخت. نکته جالب‌تر آن‌که نوازندگان در مواردی نیز با نشستن روی جعبه خالی مهمات و آذوقه به اجرا می‌پرداختند. نکته قابل توجه، جانبازی تعدادی از اعضای ارکستر طی این سفرهاست که در برخی موارد، جانبازان تا سال‌ها بعد از پایان جنگ هم از آن مطلع نشدند. سفر ارکستر به حلبچه، اگرچه مدتی پس از بمباران شیمیایی این شهر انجام شد، اما از آن به‌عنوان یکی از دلایل این جانبازی‌ها یاد می‌شود. آن‌گونه که سجاد پورقناد، پژوهشگر موسیقی مطرح می‌کند سفر به جزیره مجنون یا یکی از جزایر همسایه‌اش نیز به دلیل اجساد شهیدی که در آنجا قرار داشت و نیش پشه‌های عفونی، از دیگر دلایل بعضی جانبازی‌ها بود. ابراهیم نظری و مهرداد کاظمی و محمدرضا جعفری ازجمله جانبازان این ارکستر موسیقی در آن زمان بودند.

پرسه در کوچه‌های مجازی

پرسه ۲۰- رؤیای مشبک

سرخیپوست‌های قبیله اوجیویه عقیده داشتند ارواح، رؤیاها و کابوس‌ها شب‌ها در هوا پراکنده‌اند. برای همین در خواب آذیت می‌شویم یا رویا/کابوس می‌بینیم. آنها برای دفع ارواح بلید و کابوس‌ها از طلسمی مخصوص استفاده می‌کردند به اسم دریم‌کچر یا رؤیاگیر. این طلسم دست‌سازه‌ای بود به شکل دایره که با نخ، تارهایی شبکه‌ای درونش می‌تنیدند. روی این دایره مشبک تعوید، مهره‌های رنگی و استخوان حیوانات مقدس می‌بستند و بالای سر افراد خوابیده به‌خصوص بچه‌ها می‌گذاشتند تا مثل یک صافی عمل کند و فقط رؤیاها را از خود عبور دهد.



این دست‌سازه سال‌هاست وارد فرهنگ‌های دیگر هم شده، با وسایل مختلف، در اندازه‌های گوناگون و به‌صورت مدل‌های ساده تا پیرکار درست می‌شود. بسیاری برای تزئین اتاق، خانه، محل کار یا ماشین از آن استفاده می‌کنند.

برای بعضی نماد آرامش است و برای بعضی نشانه صلح. از جهاتی چیزی شبیه سنگ و شیشه باباقروری در فرهنگ خودمان است.

چند روز پیش عکسی از دو سرباز جوان و جذاب اسرائیلی منتشر شد و مثل همه عکس‌ها و ویدئوهای منتشرشده، هذش ارائه تصویری انسانی و براینگیزنده همدلی در مخاطب بود:

پسر در مقابل دختر زانو زده و از او خواستگاری می‌کند. دختر به سبک هر معشوقه دیگری ذوق‌زده است. هر دو لباس رزم به تن دارند و اسلحه بر دوش. نماد حفظ وطن و تشکیل خانواده‌ای وفادار به وطن و آرمان‌هایش هستند. احتمالاً بعد این جنگ و درآوردن لباس نبرد، در جبهه فرهنگی اجتماعی فعال خواهند بود و نسل صهیونیسم را افزایش خواهند داد. شعر، متن، کامنت و نظرات زیادی برای این عکس نوشته شده است. اما من در این عکس توجهم به آن دو رؤیاگیر بالای سر عروس و داماد آینده جلب شد؛ دو رؤیاگیری که قرار است این دو نوجول را از گزند ارواح خبیثه و کابوس‌های سلیطه حفظ کند!

دو رؤیاگیر که یادگار بومی‌های سلاخی شده به دست سفیدپوست‌های مهاجر در آمریکاست. دو رؤیاگیر که پدرخوانده آمریکایی بعد از استخاله بومی‌ها، تبدیلیش کرده به عاملی برای کسب پول! دو رؤیاگیر که مادر ۴۰۰ ساله بعد از تحمل همه مصائب حمل و زاییدن و بزرگ کردن این فرزند حرام‌زاده‌اش به او داده تا در صحت و سلامت حفظ و تکثیر شود!

آیا این رؤیاگیرهای شبیه تارهای عنکبوت، یاری مقاومت در برابر موشک رادارد؟

قاب



اجرای سمفونی «کشته‌گان»

در میدان فلسطین

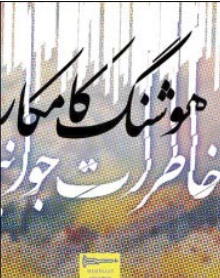
سمفونی «کشته‌گان» که متفاوت‌ترین اثر چیدمانی موسیقایی بود، عمر روز گذشته در حمایت از کودکان غزه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی در میدان فلسطین تهران اجرا شد. در این اجرا، ۴۰۰۰ جسد کفن‌پوش به شکل نمادین روی زمین قرار گرفتند و خوانندگان مختلفی همچون هیتم نور، احسان یاسین و... برای سوگواری این اطفال مظلوم به‌صورت زنده موسیقی اجرا کردند.

نوا

انتشار آلبوم جدید هوشنگ کامکار

آلبوم «خاطرات جوانیم» با آهنگسازی و تنظیم هوشنگ کامکار منتشر شد. این آلبوم شامل شش قطعه است که برای ارکستر سمفونیک و سازهای ایرانی نوشته شده است. در این آلبوم ارسلان کامکار به‌عنوان نوازنده ویلون و

ویلون آلتو، ارشدیر کامکار به‌عنوان نوازنده کمانچه و همچنین علی جعفری یویان و سهراب برهمندی به‌عنوان نوازنده ویولن آلتو نوازندگی کرده‌اند. گفتنی است هنرمندان دیگر نگار نورا (نوازنده ویلنسل) و احسان امامی (نوازنده تار) و همچنین کیوان نولاجینی (نوازنده دوتار) در این آلبوم حضور دارند و صدابرداری و مسترینگ «خاطرات جوانیم» توسط سیاوش کامکار در استودیو سیا انجام شده. مرتضی شمیسا به‌عنوان گرافیس‌ت در این پروژه حضور داشته. سام شرف‌زاده، مدیر رسانه‌ای جدیدترین آلبوم هوشنگ کامکار بوده و مؤسسه شهنای (امین جهانگیری) به عنوان ناشر با این هنرمند برجسته همکاری کرده است. علاقه‌مندان به تهیه این آلبوم در دو نسخه فیزیکال یا دیجیتال می‌توانند به وب‌سایت www.shahnaay.com مراجعه کنند.



صحنه

تور کنسرت علیرضا قربانی در اروپا

تور کنسرت‌های بین‌المللی علیرضا قربانی، خواننده موسیقی ایرانی پس از اجراء در چهار شهر کانادا از اواخر آبان در چند شهر مختلف اروپایی ادامه پیدا می‌کند تا جامعه جهانی با اصالت‌های موسیقی ایرانی بیشتر آشنا شود.

بر همین اساس پس از پایان کنسرت‌های کانادا، علیرضا قربانی به همراه گروهش برای اجرای کنسرت به اروپا خواهد رفت تا در ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) در دوسلدورف و ۲۶ نوامبر (۵ آذر) در فرانکفورت آلمان اجرا داشته باشد. این گروه ۲۹ نوامبر (۸ آذر) در شهر الملو کشور سوئد، یکم دسامبر (۱۰ آذر) در مونیخ، ۲ دسامبر (۱۱ آذر) در شهر روتردام هلند و ۳ دسامبر (۱۲ آذر) در استکهلم پایتخت سوئد میزبان مخاطبان موسیقی خواهد بود.

قربانی در تور کنسرت کانادا در شهرهای کالگری، ونکوور، تورنتو و مونترال روی صحنه رفت که مورد استقبال و توجه ویژه مخاطبان قرار گرفت. مدیریت هنری این اجراها را حسام ناصری برعهده دارد.

